

## اعمال روش‌های ترسیم خط مبدا در دریاچه مازندران با توجه به کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۲/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۶/۱۲)

سید فرخ مطهر

### چکیده

یکی از مهمترین عوامل موثر در نظام حقوقی دریاها، "خط مبدا" می باشد که محدوده آبهای داخلی و به تبع آن سایر مناطق دریائی کشورهای ساحلی را تعیین می نماید. اصول ترسیم خط مبدا در دریاها در برخی مواد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به تفصیل آمده است ولیکن این کنوانسیون در مورد نظام حقوقی حاکم بر دریاچه ها ساکت است، زیرا دریاچه های بین المللی واحدهای آبی ای هستند که کاملاً محصور در خشکی بوده و از لحاظ طبیعی اتصال مستقیم با آبهای آزاد نداشته و میان دو یا چند کشور قرار گرفته اند. دکتین اعتقاد دارد که نظام حقوقی دریاچه ها و بالتبع نحوه ترسیم خط مبدا آنها باید از طریق توافق کشورهای ساحلی تعیین شود. تنوع ماهوی توافق کشورها در انواع دریاچه های بین المللی باعث شده است که نظام حقوقی هر دریاچه با دریاچه دیگری تفاوت داشته و قابل تسری به یکدیگر نباشد. فلذا در این خصوص، وحدت رویه ای وجود نداشته و عملاً عرفی شکل نگرفته است. از طرف دیگر، پنج کشور ساحلی دریای مازندران شامل جمهوری اسلامی ایران، روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان، با امضای کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر در ۲۴ ماده و در ۱۲ اوت ۲۰۱۸ و مصادف با روز بین المللی دریای مازندران، وضعیت حقوقی این دریا را مشخص نمودند که یکی از دستاوردهای مهم این کنوانسیون، تعیین دریای مازندران به عنوان یک "دریاچه" و تصویب این موضوع به اتفاق آراء است.





**واژگان کلیدی:** خط مبدا، حدود دریائی، حقوق دریاها، کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای

**مبحث اول: معرفی دریای مازندران و پیشینه سوابق تاریخی وضع حقوقی آن**

"دریای مازندران، بزرگترین پیکره آبی بسته جهان که توسط پنج کشور جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان احاطه گردیده است، رویه ای در حدود ۴۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع (در بعضی نوشتارها ۳۷۲۰۰۰ کیلومتر مربع) و ۱۲۰۰ کیلومتر درازا و بین ۲۲۰ تا ۵۵۰ کیلومتر پهنا دارد. سطح آب آن ۲۸/۵ متر از میانگین سطح دریاهای آزاد پائین تر بوده و حجم آب آن به ۷۷۰۰۰ کیلومتر مکعب بالغ می گردد. دریای مازندران در زمانهای گذشته به نام هائی چون خاوالنيسکي، دریای هیرکانیان، دریای جرجان، دریای طبرستان، بحر جرجان، بحر آبسکون، بحر قانیا و دریای خزر نامیده می شده و وسعت آن کمی کمتر از یک سوم تمامی مساحت کشور ایران می باشد. به دلیل ویژگی های طبیعی، جغرافیائی و وجود منابع طبیعی چون نفت و گاز، این دریا از دیر باز مورد توجه بوده است.<sup>۱</sup> "علت وجه تسمیه دریای مازندران به "کاسپین" به آن دلیل است که سوابق تاریخی نشان میدهد که این دریا از عهد باستان به ایرانیان تعلق داشته و نام کاسپین از نام قوم آریائی "کاسپی" گرفته شده است.<sup>۲</sup> "منابع خدادادی دریای مازندران از دیر باز مورد توجه قرار گرفته است. بطوری که آژانس انرژی ایالات متحده آمریکا، منابع بالقوه نفتی این دریا را حدود ۱۶٪ کل منابع نفتی جهان تخمین زده است."<sup>۳</sup>

دریای مازندران از نظر طبیعی به دریاهای آزاد راه ندارد، ولیکن از طریق احداث یک شاخه کانال دست ساز در شهر بولگاگراد و در محل رود ولگا، به رودخانه دن در غرب متصل می گردد. رودخانه دن از دشت های مرکزی اروپای شرقی بطرف دریای آزوف به راه می افتد و

<sup>۱</sup> فرهنگ جغرافیائی رودهای کشور، انتشارات سازمان جغرافیائی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ص ۳

<sup>۲</sup> رژیم حقوقی دریای مازندران/سعید ملک زاده، روزنامه اطلاعات، ۹۷/۱۰/۲۴

3. See Farid Rauf Oglu Shafiyev(2001),The legal regime the Caspian sea: views of the littoral states,Publication:Prism Volume:7 Issue:6



از طریق تنگه کرچ در غرب شبه جزیره کریمه وارد دریای سیاه می‌شود و از دریای سیاه از طریق کانال بسفر در استانبول وارد دریای مرمره می‌شود و در جنوب دریای مرمره از طریق تنگه داردانل وارد دریای اژه می‌شود و نهایتاً به دریای مدیترانه می‌رود. بنابراین با توجه به اینکه دریای مازندران بصورت مصنوعی و کانال دست ساز به دریای آزاد مرتبط گردیده است، براساس ماده ۱۲۲ کنوانسیون حقوق دریاها، از نظر حقوقی، نام "دریای بسته" بر آن اطلاق می‌شود و این بدان معنی است که مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بر دریای مازندران مترتب نمی‌گردد. در سال ۱۸۱۳ میلادی و پس از جنگ میان ایران و روسیه در دوره فتحعلی شاه قاجار، قرارداد گلستان میان دو کشور امضاء شد و بموجب آن کشتیرانی در دریای خزر برای ایران ممنوع شد. در قرارداد بعدی یعنی قرارداد گلستان در سال ۱۸۲۷ میلادی، دوباره عبور و مرور کشتی‌ها در خزر بطور انحصاری در اختیار روسیه قرار گرفت. در سال ۱۹۱۷ میلادی و با آغاز انقلاب کمونیستی در روسیه و تبدیل این کشور به شوروی سوسیالیستی از سوی لنین و پایان جنگ داخلی، عهدنامه‌ای میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۲۱ میلادی امضاء شد و بموجب آن دو کشور ایران و شوروی متعهد به کشتیرانی با حقوق برابر در دریای خزر شدند.

### مبحث دوم: اعتبار معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰

رژیم حقوقی دریای مازندران تاکنون سه مقطع تاریخی را تجربه نموده است. مقطع اول به قبل از به وجود آمدن شوروی بر می‌گردد و مقطع دوم در زمان شوروی بوده و مقطع سوم به بعد از فروپاشی شوروی مربوط می‌شود. معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در مقطع دوم و کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران در مقطع سوم جای دارند. لذا در این مبحث، میزان اعتبار معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد تا به این پرسش پاسخ داده شود که اگر کنوانسیون ۲۰۱۸ دریای مازندران به یک اجماع مورد توافق دست نیابد، معاهده‌های فوق‌الشاره تا چه میزان قابل استناد خواهند بود. "قدیمی‌ترین قراردادی که در مقطع تاریخی اول میان ایران و شوروی منعقد گردیده است، به سال ۱۷۳۲ میلادی بر می‌گردد که در آن



عنوان شده است که از دولت ایران انتظار می‌رود که تمام امکانات خود را به کار گیرد تا اموال کشتی‌های آسیب دیده شوروی مورد دسبرد قرار نگیرد و در حد مقدمات کشتی آسیب دیده را نجات دهد. از مفاد این قرارداد، حقوق مساوی و مشترک در خصوص دریای مازندران استنباط می‌شود.<sup>۱</sup> از عمده معاهدات میان دو کشور، معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ می‌باشد که در دومین مقطع تاریخی دو کشور منعقد گردیده‌اند. عهد نامه ۱۹۲۱ بر حقوق مساوی طرفین با تصریح بر امر کشتیرانی تاکید نموده، حال آنکه این تصریح منحصر بر کشتیرانی نبوده و هر کجا که قبلاً حقوقی از ایران تضييع گردیده است را با عبارت حقوق مساوی پاسخ داده است. در تاریخ پنجم فروردین ماه ۱۳۱۹ هجری شمسی مطابق با ۲۵ مارس ۱۹۴۰ قرارداد دیگری بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران به امضا رسید. مواد ۱۲ و ۱۳ این قرارداد، حق کشتیرانی آزاد را برای طرفین در کلیه مناطق در دریاچه مازندران تاکید نموده است. لازم به ذکر است که "در زمان انعقاد عهد نامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، نمونه های بارز حقوق متصوره در دریای خزر، کشتیرانی و ماهیگیری بوده و هنوز منابع متنوع دیگر به ویژه نفت و گاز کشف نشده بوده است."<sup>۲</sup> از مجموع مدارک و اسناد ارائه شده تا مقاطع تاریخی اول و دوم، این نتیجه حاصل میشود که دریاچه مازندران دارای وضعیت حقوقی مدون و مشخصی بوده است و طرفین بر برخورداری مشترک و مساوی هر دو طرف از منابع آبی و بستر و زیر بستر ذی حق بوده‌اند. البته با رعایت حق انحصاری ده مایلی ساحلی، آنهم فقط برای ماهیگیری. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، وضعیت حقوقی دریاچه مازندران وارد سومین مقطع تاریخی خود می‌شود. اصول حقوق بین الملل عمومی لزوم پایبندی جمهوری‌های جدید به قائم مقامی شوروی و احترام به وضعیت حقوقی موجود را مورد تاکید قرار می‌دهد و ضمناً در بیانیه آلماتی در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۹۱ مورد تأیید قرار می‌گیرد و کلیه دولت‌های مشترک المنافع، اجرای تعهدات شوروی سابق را تضمین کرده‌اند. علاوه بر این "کشورهای بجا مانده از فروپاشی شوروی، کشورهای جدید به شمار نمی‌روند

<sup>۱</sup> رژیم حقوقی دریای مازندران/سعید ملک زاده، روزنامه اطلاعات، ۹۷/۱۰/۲۴

<sup>۲</sup> همان



بلکه قائم مقام شوروی سابق هستند. از این رو همه اجزای معاهدات ایران و شوروی بر این کشورها اعمال میشود.<sup>۱</sup> از نقطه نظر دیگر، گرچه در حقوق بین الملل اصلی به نام "دکترین لوح پاک" یا "اصل انتقال ندادن" وجود دارد و طبق این اصل، با فرو پاشی و تجزیه یک کشور، دولت تازه استقلال یافته بر اساس اصل جانشینی دولت‌ها، خود را متعهد به اجرای مفاد معاهده‌هایی که امضای دولت پیشین را پای خود دارد، نمی‌شناسد ولیکن می‌توان گفت که چون معاهدات قبلی ایران و شوروی سابق یعنی قرار دادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در خصوص کشتیرانی و غیره است، پس ما می‌توانیم بگوئیم از محدوده دکترین لوح پاک خارج است و دولت‌های حوزه دریای خزر ملزم به ایفای تعهدات شوروی سابق در قبال ایران هستند.

### مبحث سوم: ویژگی‌های حقوقی کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران

بررسی ویژگی‌های حقوقی کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، نیازمند آنست که در ابتدا مروری اجمالی بر روی مواد مرتبط با موضوع مقاله حاضر، در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها صورت پذیرد. کنوانسیون ۱۹۸۲ در ۳۲۰ ماده و ۹ ضمیمه برای دریاهای آزاد تصویب شده است و مشمول دریاهای بسته و یا نیمه بسته نمی‌گردد. از لحاظ ماده یکصد و بیست و دوم این کنوانسیون، دریاهای بسته و یا نیمه بسته به معنای خلیج، حوضه یا دریائی است که دو یا چند کشور، آنرا احاطه کرده‌اند و با یک دهانه باریک به دریای دیگر یا اقیانوس‌ها مرتبط شده است با آنکه بطور کامل یا عمدتاً دریاهای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی دو یا چند کشور ساحلی را شامل میشود. بر اساس ماده سوم کنوانسیون ۱۹۸۲، هر دولتی حق دارد پهنای دریای سرزمینی خود را تا محدوده‌ای تعیین کند که از ۱۲ مایل دریائی (از خط مبدا تعریف شده در ماده پنجم و تعیین شده بر اساس این کنوانسیون) تجاوز ننماید.

طبق ماده پنجم کنوانسیون، خط مبداعادی برای اندازه‌گیری عرض سرزمینی، خط پست‌ترین جزرآب در امتداد ساحل است که روی نقشه‌های با مقیاس بزرگ، رسماً توسط دولت

<sup>۱</sup> همان



ساحلی تعیین میشود و دولت می تواند خطوط مبدا را با توجه به ویژگی های جغرافیائی ساحل تعیین کند. در ماده چهارم آمده است که حد خارجی دریای سرزمینی، خطی است که فاصله هر نقطه آن با نزدیک ترین نقطه خط مبدا برابر با پهنای سرزمینی باشد.

آبهای داخلی<sup>۱</sup>: طبق ماده هشتم کنوانسیون ۱۹۸۲، آب های واقع در طرف خشکی خط مبدا، دریای سرزمینی بخشی از آب های داخلی دولت محسوب می شود. در ماده دوم کنوانسیون آمده است که حاکمیت دولت ساحلی در خارج از قلمرو سرزمینی و آب های داخلی و نیز در مورد کشورهای مجمع الجزایری در خارج از آب های مجمع الجزایری، بر باریکه ای از دریا که "دریای سرزمینی"<sup>۲</sup> خوانده میشود، تسری می یابد. حاکمیت بر دریای سرزمینی با رعایت کنوانسیون و سایر قواعد حقوق بین الملل اعمال می گردد.

ماده ششم کنوانسیون در مورد جزایر واقع بر روی آبسنگهای حلقوی<sup>۳</sup> یا جزایری که دارای آبسنگهای پشته ای<sup>۴</sup> هستند می باشد که خط مبدا اندازه گیری پهنای دریای سرزمینی، خط پست ترین جزر آب در آبسنگ ها به سمت دریا است که باید با علائم مناسب بر روی نقشه هائی که رسماً از سوی دولت ساحلی به رسمیت شناخته شده، مشخص گردیده باشد. بر اساس ماده هفتم کنوانسیون، در مکان هائی که خط ساحلی دارای تضرس و بریدگی های عمیق است، یا چنانچه حاشیه ای از جزایر در امتداد ساحل و در مجاورت مستقیم آن قرار داشته باشد، می توان برای ترسیم خط مبدا اندازه گیری پهنای دریای سرزمینی، روش خطوط مبدا مستقیم را به کار گرفت که نقاط مناسبی را به یکدیگر متصل می نماید. در جائیکه به خاطر وجود دلتا یا شرایط طبیعی دیگر، خط ساحلی به شدت ناپایدار باشد، می توان نقاط مناسب را در امتداد پیشرفته ترین حد جزر آب به طرف دریا انتخاب نمود و با وجود عقب نشینی بعدی خط پست ترین جزر، خطوط مبدا مستقیم، تا زمانی که توسط دولت ساحلی بر طبق کنوانسیون ۱۹۸۲

1. Internal Waters

2. Territorial Waters

1. Atolls

2. Fringing Reefs



تغییر نکرده است، همچنان معتبر خواهند بود. خطوط مبدا مستقیم را نباید به گونه ای ترسیم کرد که از مسیر کلی ساحل به طور فاحشی فاصله پیدا کند و مناطقی از دریا که در بین این خطوط واقع میشوند باید به اندازه کافی با قلمرو زمینی پیوند نزدیک داشته باشند تا بتوان آنها را تابع نظام آب های داخلی قلمداد نمود. خطوط مبدا مستقیم از برآمدگی های جزری یا بطرف آنها ترسیم نخواهند شد، مگر آنکه فانوس های دریائی یا تاسیسات مشابهی که بطور دائمی بیرون از آب قرار می گیرند روی آنها ساخته شده باشند، یا در مواردی که ترسیم خطوط مبدا از این برآمدگی ها و به طرف آنها مورد شناسائی عمومی بین المللی قرار گرفته باشد. هیچ دولتی نمی تواند از روش ترسیم خط مبدا مستقیم به گونه ای استفاده کند که دریای سرزمینی دولت دیگری را از دریای آزاد یا یک منطقه انحصاری اقتصادی جدا نماید.

مواد نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ به ترتیب در خصوص نحوه ترسیم خط مبدا در دهانه رودخانه ها، خلیج های کوچک<sup>۱</sup>، بنادر، لنگرگاه ها و برآمدگی های جزری می باشد.

بنا به ماده چهاردهم کنوانسیون ۱۹۸۲، دولت ساحلی می تواند برای تعیین خط مبدا از هر کدام از روش های پیش بینی شده در مواد صدرالاشاره، که با شرایط مختلف متناسب باشد، استفاده نماید.

در حالی که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در مواد نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم، بصورت بنیادین از خط مبدا و نحوه ترسیم آن، سخن به میان آورده است، در مقابل، آنچه که در کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران مغفول مانده است، مقررات کنوانسیون در خصوص خط مبدا و نحوه ترسیم آنست. در کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، همانند کنوانسیون ۱۹۸۲، استفاده از خطوط مبدا مستقیم پیش بینی شده است ولیکن رویکرد این کنوانسیون با کنوانسیون ۱۹۸۲ یکسان نمی باشد. در ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، خطوط مبدا عادی و مستقیم تعریف شده اند ضمن

1: Bays.



اینکه در بند ۴ این ماده مقرر داشته که: "روش تعیین خطوط مبدا مستقیم باید در موافقتنامه جداگانه ای بین همه طرف ها تعیین شود"، بنابراین، تعیین تکلیف یکی از مهمترین عناصر این کنوانسیون به مذاکرات آتی موکول شده است. ممکن است برخی ایراد بگیرند که تعاریف خط مبدا عادی و مستقیم در مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و درهر کتاب حقوق دریاها وجود دارد، اما توجه به این نکته ضروری است که بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، محدوده آبهای سرزمینی ۱۲ مایل از خط مبدا است ولیکن در کنوانسیون اخیر، محدوده آب های سرزمینی ۱۵ مایل از خط مبدا در نظر گرفته شده و مورد تصویب واقع گردیده است. ضمن آنکه اهمیت خط مبدا در کنوانسیون ۲۰۱۸، اهمیت مسئله برای کشور ایران است زیرا با توجه به اینکه در سواحل ایران نمی توان خط مبدا مستقیم کشید و در حالت عادی به دلیل صاف بودن خط مبدا سواحل ایران، وضع چندان مناسبی برای کشورمان متصور نیست، بند ۴ در ماده یک کنوانسیون گنجانده شده است که "کشورهائی که شکل سواحل شان بمنظور تعیین محدوده آب های داخلی نامساعد است، به هنگام ایجاد روش تعیین خطوط مبدا مستقیم، ملاحظات لازم در خصوص آنها صورت پذیرد."<sup>۱</sup> دولت ایران طی اعلامیه تفسیری که ضمن نامه وزیر امور خارجه ایران به وزرای دیگر کشورهای ساحلی صادر شد، اعلام کرد که مصداق این بند، "ایران" است.<sup>۲</sup> برخی از حقوقدانان، این امر را از مهمترین امتیازاتی می دانند که ایران در کنوانسیون بدست آورده است و در نتیجه بیشترین نفع را در مذاکرات آتی خواهد داشت. برای آگاهی خوانندگان، مواد کنوانسیون اخیر وضعیت حقوقی دریای مازندران در پیوست "ب" آورده شده اند.

اهم موضوعات فنی و حقوقی توافق شده در کنوانسیون اخیر، به شرح زیر می باشند:<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران

<sup>۲</sup> پایگاه اطلاع رسانی رئیس جمهوری به آدرس الکترونیکی <http://www.president.ir/>

<sup>۳</sup> مواد ۱ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۱ کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران





- ۱- تعریف و تصویب دریای مازندران بعنوان یک توده آبی محصور شده، که علاوه بر درج منابع و ماخذ معتبر موجود در این خصوص، مهر تائیدی بر " دریاچه بودن " خزر می باشد. اگر اینگونه نمی بود آنگاه کشورهای غیر ساحلی نیز در آنجا حق حضور داشتند. فلذا تعیین " خزر " بعنوان یک دریاچه، از مهمترین دستاوردهای این کنوانسیون به شمار می رود.
- ۲- تعریف و تنویرو تصویب بخش های مختلف دریاچه خزر مانند: آب های داخلی، آب های سرزمینی، منطقه ماهیگیری و پهنه مشترک دریائی و بخش و منابع زنده آبی، منابع زنده مشترک و برداشت و کشتی جنگی و سامانه بوم زیستی مازندران و آلودگی.
- ۳- تاکید بر حاکمیت بر آب های سرزمینی و تسری آن بر بستر و زیر بستر و فضای هوائی آن.
- ۴- تعیین محدوده آبهای سرزمینی، ۱۵ مایل دریائی از خط مبدا.
- ۵- تاکید بر تعیین حدود بستر و زیر بستر دریای مازندران بر اساس موازین و اصول حقوق بین الملل.
- ۶- تعیین عرض ۱۰ مایل دریائی برای منطقه ماهیگیری مجاز و حق برداشت انحصاری از منابع زنده آبی.
- ۷- آزادی دریانوردی در فراسوی محدوده های خارجی آب های سرزمینی برای کشتی های تحت پرچم طرف ها.
- ۸- امکان تعبیه بافه ها و خطوط لوله زیر دریائی در بستر دریاچه مازندران.
- ۹- ملزم بودن طرف ها به حمایت و حفاظت از سامانه بوم زیستی دریاچه مازندران.
- ۱۰- تنظیم اصلاحیه ها و الحاقیه های این کنوانسیون در قالب پروتکل های جداگانه.



۱۱- عدم تاثیر این کنوانسیون بر تعهدات طرف‌ها در سایر معاهدات.

۱۲- تعیین مرجع حل اختلافات، ابتدا رایزنی و مذاکره و در غیر اینصورت به روش‌های مسالمت‌آمیز جاری در حقوق بین‌الملل.

## مبحث چهارم: تعاریف و مقررات مربوط به خط مبدا در کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران و مقایسه با کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و آثار حقوقی آن

یکی از مهمترین رویکردهای کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، توجه به خط مبدا است. ولیکن در متن این کنوانسیون، مقررات اندکی دیده می‌شود. ماده ۱ کنوانسیون به تعریف اصطلاحات اختصاص دارد و در آن به تعریف خط مبدا، خط مبدا عادی و خط مبدا مستقیم پرداخته است. بر اساس بند ۱ و ۲ ماده ۷ کنوانسیون، هر طرف باید عرض آب‌های سرزمینی خود را تا محدوده‌ای تعیین کند که از ۱۵ مایل دریائی از خطوط مبدا تعیین شده، که طبق این کنوانسیون تعیین می‌شود، تجاوز نکند و حد خارجی آب‌های سرزمینی خطی خواهد بود که فاصله هر نقطه از آن، از نزدیکترین نقطه خط مبدا برابر با آب‌های سرزمینی باشد. همچنین بموجب بند ۵ ماده ۱ کنوانسیون، آب‌های داخلی عبارت از آب‌هایی است که از خطوط مبدا به طرف ساحل واقع شده‌اند و بموجب بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون، هر طرف در مجاورت آب‌های سرزمینی، یک منطقه ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل دریائی را تعیین خواهد کرد. بنابر این می‌توان گفت که قلمرو حاکمیتی هر کشور ساحلی دریاچه خزر، با تعیین خط مبدا مشخص خواهد شد. در بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، خط مبدا به دو بخش خط مبدا عادی و خط مبدا مستقیم تقسیم شده است. بنابر این، کنوانسیون ۲۰۱۸ همانند کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کاربرد خط مبدا را به این دو نوع خط محدود نموده است. از تعریف خط مبدا عادی و مستقیم در کنوانسیون ۲۰۱۸، اینطور بر می‌آید که همه کشورهای ساحلی ناگزیر به استفاده از خط مبدا مستقیم خواهند بود و از این خط برای اندازه‌گیری محدوده‌های حاکمیتی دریائی خود استفاده خواهند کرد. عدم پیش‌بینی مقررات تعیین خط مبدا در خصوص خلیج‌هایی که



در سواحل کشورهای ساحلی دریاچه خزر وجود دارد، و پیش بینی این مطلب در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، خود می تواند گواهی بر این مدعا باشد. ولیکن در کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، در بندهای ۳ و ۴ ماده ۱ تعاریفی داده شده است که بنظر می رسد مقایسه ای با مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها صورت گرفته است.

در تعریف خط مبدا عادی در کنوانسیون ۲۰۱۸ آمده است:

خط سطح میانگین چندین ساله دریای خزر در نقطه منهای ۲۸ متر سطح مبنای دریای بالتیک ۱۹۷۷ از نقطه ایستگاه کشند سنج کرون اشتات است که از بخش قاره ای یا جزیره ای قلمرو یک کشور ساحلی خزر عبور می کند و بر روی نقشه های بزرگ مقیاس که رسماً توسط آن کشور ساحلی شناسائی شده، مشخص شده است این در حالی است که در ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تعریف خط مبدا عادی به شکل زیر آمده است:

جز در مواردی که در این کنوانسیون به نحو دیگری مقرر گردیده است، خط مبدا عادی برای اندازه گیری پهنای دریای سرزمینی، خط پست ترین جزر آب در امتداد ساحل است که باید روی نقشه های با مقیاس بزرگ که رسماً از سوی دولت ساحلی به رسمیت شناخته شده، مشخص گردیده باشد. بطوریکه ملاحظه میشود، در تعریف خط مبدا عادی در کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، آنچه که در ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مقرر شده است، ملاک عمل قرار نگرفته است. در تعریف خط مبدا عادی در کنوانسیون ۲۰۱۸، نوسانات تراز آب دریای خزر ملاک عمل قرار گرفته و با توجه به اینکه تحقیقات صورت گرفته نشان می دهد که سطح آب دریای خزر در حال حاضر حدود ۲۷,۵- متر از سطح متوسط دریاست، فلذا عدد ۲۸- متر در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸، آمده است و لذا عددی منطقی بنظر می رسد. با توجه به اینکه در بخش جنوبی دریای مازندران و علی الخصوص در امتداد ساحل ایران، عمق آب زیاد و شیب نیز زیاد است و از طرف دیگر، جابجائی خط مبدا عادی در اثر تغییر تراز آب، اهمیت چندانی ندارد، بنظر نمی رسد که تغییر تراز آب، اثر موثری برای کشور ایران در پی داشته باشد.



در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸، آمده است که خط مبدا عادی باید بر روی نقشه های بزرگ مقیاس که رسماً توسط آن کشور ساحلی مورد شناسائی قرار گرفته، مشخص شده باشد. از طرف دیگر در بند ۳ ماده ۱ در تعریف دریای خزر آمده است که: توده آبی محصور شده به وسیله قلمرو خشمی طرف ها و ترسیم شده بر روی نقشه های ناوبری دریائی منتشره توسط اداره کل ناوبری و اقیانوس شناسی وزارت دفاع فدراسیون روسیه، سن پترزبورگ، با مقیاس ۱/۷۵۰۰ به شماره ۳۱۰۰۳، نشر آرشیوی مورخ ۱۷/۴/۱۹۹۷، منتشر شده در سال ۱۹۹۸، شماره ۳۱۰۰۴، نشر آرشیوی مورخ ۴/۷/۱۹۹۸، منتشر شده در سال ۱۹۹۹، شماره ۳۱۰۰۵، نشر آرشیوی مورخ ۱۱/۱۶/۱۹۹۶، منتشر شده در سال ۱۹۹۸ که رونوشت مصدق آنها پیوست این کنوانسیون و جزء لاینفک آن است.

حال سؤال اینجاست که پذیرش اینکه دریای خزر بر اساس ۳ نقشه دریائی بزرگ مقیاس تعریف شده است، به معنای این مطلب نیست که این نقشه ها از سوی کشورهای ساحلی شناسائی شده اند؟ پس دیگر چه نیازی به تاکید بر این مطلب در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون وجود داشته است؟ آیا پذیرش بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸ به معنای آن نیست که کشورهای ساحلی دریای مازندران در توافقات آتی در خصوص تحدید حدود، از این نقشه های سه گانه باید استفاده کنند؟ بنظر می رسد که ذکر نقشه های دریائی در بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸، به معنای سلب اختیار از کشورهای ساحلی در تعیین خط مبدا در نقشه های مورد نظر خودشان نیست. با توجه به وجود جزایر متعدد در توده آبی دریای مازندران، بر خلاف ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که در آن جزایر متعلق به کشورهای ساحلی همانند سرزمینی اصلی آنها از دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره برخوردارند، در متن کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریاچه مازندران، تصریحی صورت نگرفته است. ولیکن شاید بتوان گفت که از نظر کنوانسیون ۲۰۱۸، جزایر دارای همان مناطق دریائی کشورهای ساحلی خواهند بود. بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸، به تعریف خطوط مستقیم اختصاص یافته است عبارتند از:



خطوط مستقیمی که نقاط مربوط / مناسب را بر روی خط ساحلی به یکدیگر وصل می کنند و خط مبدا را در مکان هائی که خط ساحلی مضرس می باشند یا در مکانی که در ان حاشیه ای از جزایر در امتداد ساحل و در مجاورت نزدیک آن قرار دارد، تشکیل می دهند.

در این خصوص موارد زیر قابل ذکر است:

تعبیر نقاط مناسب و عدم روشنگری در این خصوص، از مهمترین نقاط ضعف این بند بشمار میرود و البته این امر در خصوص بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز مصداق داشته و در آنجا نیز از نقاط مناسب سخن بمیان آمده است، در حالیکه تعبیر "نقاط مناسب"، مشخص و روشن نیست. همانطور که در بالا مشخص است، در بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸، نقاط مربوط و نقاط مناسب، توسط یک خط مورب از یکدیگر متمایز گردیده اند و همانطور که میدانیم این خط مورب به معنای "یا" می باشد که ذکر نقاط مناسب دارای ابهام می باشد و دست کشورهای ساحلی را برای ترسیم خطوط مبدا در آینده باز می گذارد و این در حالی است که "نقاط مربوط"، تناسبی با "نقاط مناسب" ندارد و آوردن آنها با یکدیگر، خود محل اشکال است و علاوه برآن، در مورد خط مبدا مستقیم، معیار و مبنای تشخیص "نقاط مربوط" معلوم نیست. عبارت "نقاط مناسب" بیشتر به سود ایران خواهد بود زیرا در ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸ آمده است که کشورهای دارای وضع نامساعد و نامناسب در تعیین محدوده آب های داخلی، دارای وضعیت ویژه ای به لحاظ تعیین خط مبدا مستقیم خواهند بود.

تفاوت میان بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون ۲۰۱۸ که مقرر می دارد: استفاده از خطوط مبدا مستقیم در مکان هائی که خط ساحلی دندانه دار می باشد یا در مکانی که در ان حاشیه ای از جزایر در امتداد ساحل و در مجاورت نزدیک آن قرار دارد، مجاز شمرده شده است و بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون حقوق دریاها، نشان می دهد که عبارت بریدگی های عمیق، از متن کنوانسیون ۲۰۱۸ حذف گردیده و ظاهراً خط ساحلی مضرس، برای خطوط مستقیم کافی دانسته شده است و این امر نشان دهنده آنست که کشورهای ساحلی دریاچه مازندران، آزادی عمل بیشتری را در بکار گیری خطوط مبدا مستقیم خواهند داشت. مهمترین امتیاز ایران در



کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریاچه مازندران، پیوند با موافقتنامه نحوه ترسیم خط مبدا مستقیم در آینده است که بعد از امضای این کنوانسیون منعقد خواهد شد. بنظر می‌رسد که کشورهای ساحلی دریاچه مازندران، با تجربه پیامد های کنوانسیون ۲۰۱۸ حقوق دریاها، موافقتنامه یاد شده را پیش بینی کرده اند. همانطور که مشاهده شد، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، در خصوص مقررات ترسیم خط مبدا مستقیم، به مقررات کلی و مبهم اشاره نموده است و اگر قرار بود که در کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریاچه مازندران نیز به همین منوال عمل میشد، آنگاه کشورهای ساحلی دریاچه مازندران، در تعیین خطوط مبدا مستقیم خود دارای آزادی کامل بودند و این امر ممکن بود به بروز اختلافات بعدی بیانجامد و چارچوب حقوقی کنوانسیون ۲۰۱۸ را متزلزل سازد. بدین ترتیب کشورهای ساحلی دریاچه مازندران در صدد برآمده اند که طی موافقتنامه ای جداگانه، روش های ترسیم خط مبدا مستقیم را معین سازند. در میان پنج کشور ساحلی دریاچه مازندران، کشور ایران دارای وضعیت خاص و ویژه ای است. در وهله نخست، سواحل ایران مقعر است و این امر باعث میشود که خطوط مبدا مستقیم ایران نیز حالت تقعر پیدا کند و ثابا این خطوط نسبت به جهت کلی ساحل، انحراف بیشتری پیدا کنند. ساحل کشور ایران در مجاورت دریای مازندران، صاف و بدون تضرس و بریدگی بوده و فاقد دماغه های ساحلی است بطوریکه نقاط پیشرفته خشکی در دریا زیاد نیستند تا بتوان از آنها برای تعیین خطوط مبدا مستقیم بهره گرفت و آنها را به هم متصل نمود تا خط مبدا مستقیم ایران بدست آید.

### مبحث پنجم: سهم کشورهای ساحلی دریاچه مازندران از اعمال انواع روش های تعیین حدود دریاچه های بین المللی

نحوه ترسیم خط مبدا در دریا های بین المللی و دریا های بسته<sup>۱</sup>، ارتباط تنگاتنگ با نحوه تعیین حدود پیکره های آبی مربوطه دارد و هرگونه بحث در خصوص نحوه ترسیم خط مبدا، بستگی به آن دارد که پایه و اساس توافقات کشورهای ساحلی در خصوص تعیین حدود،

<sup>۱</sup>. Enclosed Sea



چگونه بوده باشد. بنابراین در این مبحث، ابتدا به آخرین موضوع گیری های کشورهای ساحلی دریاچه مازندران در خصوص نحوه تحدید حدود آن می پردازیم و آنگاه تلاش خواهیم کرد که با توجه به کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، به نحوه ترسیم خط مبدا در این دریاچه دست یابیم.

"با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تاسیس کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان و روسیه، موضوع استفاده از دریاچه خزر میان کشورهای همجوار این دریاچه مطرح شد. هر یک از کشورهای تازه استقلال یافته مایل بودند سهم خود را از این دریاچه تعیین کنند. کشورهای آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان در سال ۱۹۹۳ کنفرانسی را ترتیب دادند تا تصمیم مشترکی در مورد تقاضای خود برای بهره برداری از دریاچه خزر را اعلام کنند و بر اساس آن پیشنهادهای خود را به ایران ارائه دهند. روسیه مایل به حفظ عرض ۱۰ تا ۴۰ مایل از ساحل به سمت دریا به عنوان منطقه اقتصادی-انحصاری داشتند."<sup>۱</sup>

"موضع آذربایجان، تقسیم خزر به پنج قسمت است که در قانون اساسی آن کشور نیز از سهم خود به عنوان منطقه ملی آذربایجان در دریای خزر یاد کرده است.

## مبحث ششم: اعمال روشهای ترسیم خط مبدا در کشورهای ساحلی دریاچه مازندران

در این قسمت از مقاله حاضر، براساس شکل سواحل هر کشور ساحلی، اعمال یک یا چندروش از روشهای نحوه ترسیم خط مبدا که در مبحث دوم فصل دوم آمد، را مورد بررسی قرار می دهیم:

### الف- کشور ایران:

سواحل ایران در حاشیه دریای مازندران مضرس و دندانه دار نبوده و لذا نمی توان خط مبدا مستقیم ترسیم نمود.<sup>۲</sup> به دلیل صاف بودن خط سواحل ایران، ما از وضع نامناسبی رنج می بریم.

<sup>۱</sup> نامی، محمدحسن، جایگاه دریای خزر در استراتژی های جهانی، انتشارات سهره، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۴۶



سواحل ایران صاف است در حالیکه سواحل کشورهای ساحلی دیگر اینگونه نیست.<sup>۱</sup> در اینصورت، از روشهای ترسیم خط مبدا که در مبحث دوم فصل دوم بیان گردید، بنظر می‌رسد چاره‌ای جز استفاده از روش پست‌ترین حد جزر آب وجود نخواهد داشت زیرا با توجه به صاف بودن سواحل ایران، نوع خط مبدا ترسیمی به صورت خط مبدا عادی خواهد بود و در این خصوص در ماده یک کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران نیز به خط مبدا عادی اشاره گردیده و آمده است که خط سطح میانگین چندین ساله دریای خزر در نقطه منهای ۲۸ متر داده سطح دریای بالتیک ۱۹۷۷ از نقطه صفر فوت اشتوک کرون اشتات است. این اندازه از آن جهت بدست آمده است که چون تراز دریاچه مازندران، از دریاهاى آزاد ۲۸ متر پائین تر است فلذا در ماده یک عبارت پائین‌ترین نقطه جزری که در منهای ۲۸ متر است را آورده‌اند. از طرف دیگر در بخشی از ماده یک کنوانسیون آمده است که: چنانچه شکل ساحل، یک کشور ساحلی را در تعیین آبهای داخلی اش آشکارا در وضعیت نامساعدی قرار دهد، این وضعیت، هنگام ایجاد روش تعیین خطوط مبدا مستقیم، بمنظور دستیابی به تفاهم میان تمام طرف‌ها مد نظر قرار خواهد گرفت. اگر بتوان منظور از مد نظر قرار گرفتن وضعیت نامساعد یک کشور ساحلی مانند ایران در متن کنوانسیون را به داشتن کمترین بهره‌مندی ایران از منابع بستر و زیر بستر و مقرون به صرفه نبودن حفاری و اکتشاف برای این کشور (با توجه به اینکه سواحل ایران در حاشیه دریای مازندران عمیق است) تعبیر نمود.

## ب- کشور آذربایجان:

بمنظور پیشنهاد نحوه ترسیم خط مبدا در سواحل کشور آذربایجان، لازم است که ساحل این کشور در مجاورت دریای مازندران را به پنج بخش تقسیم نمائیم:

بخش اول، از شهر آستارا به شهر لنکران

بخش دوم، شهر لنکران تا نفت چاله

<sup>۱</sup> گفتگو با دکتر محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه، روزنامه اطلاعات، ۹۷/۰۵/۲۷، شماره ۲۷۰۷۸





بخش سوم، از نفت چاله تا باکو (دماغه شاخ دیلی)

بخش چهارم، از باکو تا سومقاییت

بخش پنجم، از سومقاییت تا مرز با کشور روسیه

با توجه به شکل ساحل در بخش اول، که صاف است، روش پست ترین حد جزر آب قابل اعمال بوده و در بخش دوم، با توجه به قرار گیری خلیج کروا و دماغه<sup>۱</sup> نفت چاله در این بخش، روش نقطه مبنا اعمال می گردد. از دماغه نفت چاله تا باکودر بخش سوم، روش چرخ واگن به منظور صاف نمودن سواحل این بخش قابل اعمال بوده و از دماغه شاخ دیلی تا مرز کشور روسیه شامل بخش های چهارم و پنجم، روش پست ترین حد جزر اعمال می گردد. اعمال روشهای ترسیم خط مبدا بشرح بالا برای کشور آذربایجان، تا حد زیادی تحدید حدود این کشور را به روش رگرسیون کمترین مربعات نزدیک می نماید که مطلوب کشور آذربایجان نیز می باشد.

### ج- کشور روسیه:

با توجه به غیر مضرس بودن خط ساحل از مرز روسیه و جمهوری آذربایجان در محدوده شهر بلیجی در روسیه، خط مبداییشنهادی، به روش چرخ واگن و شروع آن از شهر بلیجی و پایان آن دماغه لوپاتین میباشد، اما با توجه به برخورداری از سهم حدود ۱۸ درصدی از سطح دریای مازندران توسط آن کشور در صورت تحدید حدود به روش خطوط مبنای ساحلی و همچنین پیشینه تاریخی روسیه در حاکمیت بر دریای مازندران، علیرغم وجود سواحل صاف در محدوده فوق، روش نقطه مبنا قابل اعمال خواهد بود که در آن، خطی مستقیم از مرز جمهوری آذربایجان در محدوده شهر بلیجی تا دماغه لوپاتین ترسیم میگردد. با توجه به شکل سواحل در ادامه مرز ساحلی کشور روسیه تا کشور قزاقستان، ادامه خط مبدا به روش یاد شده تا مرز این کشور با کشور قزاقستان ادامه دارد. خط مبدا ترسیمی در این حالت، تحدید حدود

<sup>۱</sup> پیشرفتگی خشکی در آب را دماغه می گویند و معادل انگلیسی آن Cape است.



به روش خطوط مبنای ساحلی را موجب خواهد شد که تا حدود زیادی مطلوب کشور روسیه خواهد بود.

## د- کشور قزاقستان:

موضع کشور قزاقستان، ایجاد وضعیت حقوقی منطبق بر وضعیت حقوق بین الملل دریاهاست و علت این امر آنست که نسبت به سایر مرزهای آبی کشورهای ساحلی دریای مازندران، سواحل این کشور مضرس تر بوده و مرز کشور قزاقستان تا کشور ترکمنستان حاوی تعداد بیشتری خلیج و دماغه است و دلیل اصرار کشور قزاقستان بر روش های منبعث از کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها، آنست که در صورت اعمال روشهای مندرج در آن کنوانسیون، محدوده آبهای داخلی این کشور نسبت به سایر کشورهای ساحلی، گسترده تر خواهد بود. این کشور به تقسیم دریای مازندران بر اساس روش مشاع تاکید دارد و همانطور که سهم کشورها در روش مذکور را مورد بررسی قرار دادیم، سهم این کشور در روش فوق حدود ۳۰ درصد خواهد بود که بعید می نماید که مورد توافق کشورهای ساحلی قرار گیرد، بنابر این به نظر می رسد که روش پلی گون محدب که در آن تقریباً منافع کلیه کشورها در نظر گرفته میشود، روش مناسبی برای تحدید حدود این کشور باشد. با این فرض، نحوه ترسیم خط مبدا در کشور قزاقستان به شرح زیر خواهد بود:

قسمت اول خط مبدا ترسیمی به روش نقطه مبنا، بصورت خط مستقیم از مرز قزاقستان و ترکمنستان، تا ساحل شهر شوچنکو در کشور قزاقستان امتداد می یابد.

برای قسمت دوم خط مبدا ترسیمی، هیچیک از روش های معرفی شده ترسیم خط مبدا کاربرد نداشته و شاید بتوان متاثر از تحدید حدود به روش خطوط مبنای ساحلی، ادامه خط مبدا را از ساحل شهر شوچنکو تا نقطه مقابل شهر درنبا در این کشور اعمال نمود. برای قسمت سوم نیز مشابه قسمت دوم عمل نموده و خط مبدا، از نقطه ساحلی شهر درنبا تا مرز قزاقستان با روسیه ترسیم می گردد. بجز ترسیم قسمت اول خط مبدا در کشور قزاقستان که بر اساس روش



نقطه مبنا عنوان گردید و ترسیم خط مبدا در قسمت های دوم و سوم که براساس هیچیک از روش های معرفی شده نبود، از این منظر، این کشور می تواند بعنوان یک استثنا مطرح گردد.

### ۵- کشور ترکمنستان:

به منظور پیشنهاد نحوه ترسیم خط مبدا در سواحل کشور ترکمنستان، لازم است که ساحل این کشور در مجاورت دریای مازندران را به سه بخش تقسیم نمائیم:

بخش اول، از مرز ایران و ترکمنستان تا جزیره اگوژچینسکی

بخش دوم، از جزیره اگوژچینسکی تا شهر ساحلی ترکمن باشی

بخش سوم، از شهر ساحلی ترکمن باشی تا نقطه مرزی با کشور قزاقستان

خط مستقیمی که از مرز ایران و ترکمنستان آغاز و تا جزیره اگوژچینسکی در کشور ترکمنستان ادامه می یابد، می تواند بعنوان بخش اول خط مبدا کشور ترکمنستان مد نظر قرار گیرد که متأثر از روش مستخرج از تحدید حدود به روش خط میانه می باشد که در مبحث دوم فصل دوم مورد بحث واقع گردید و مورد نظر کشور ترکمنستان نیز می باشد.

در بخش دوم، ترسیم خط مبدا به روش خط مبنا قابل اعمال می باشد که از جزیره اگوژچینسکی تا شهر ساحلی ترکمن باشی امتداد می یابد. در بخش سوم، ادامه خط مبدا از ساحل ترکمن باشی تا مرز با کشور قزاقستان نیز به روش خط مبنا می تواند مورد عمل واقع گردد. روش پیشنهادی ترسیم خط مبدا کشور ترکمنستان به شرح فوق، حتی در صورتیکه دو روش تحدید حدود خطوط مبنای ساحلی و پلی گون محدب نیز مورد توافق قرار گیرند، دارای نتایج نسبتاً یکسان با روش تحدید حدود به روش خط میانه می باشد که متضمن منافع و مطلوب نظر این کشور خواهد بود. ذکر این نکته لازم و ضروری است که تنها تفاوت اعمال هر یک از این ۳ روش در خصوص کشور ترکمنستان، در مورد جزیره اگوژچینسکی بوده که در روش روش پلی گون محدب، این جزیره پشت خط مبدا پیشنهادی واقع می گردد که در



دو روش دیگر، اینگونه نیست و در خصوص این جزیره می توان با مذاکره، کیفیت ترسیم خط مبدا در محدوده آن را توافق نمود.

## نتیجه گیری

آغاز انقلاب کمونیستی در روسیه در سال ۱۹۲۱ میلادی را می توان بعنوان مبدا تعیین وضعیت حقوقی دریای مازندران شناخت که در آن یک معاهده مودت بین ایران و فدراسیون روسیه شوروی امضاء شد که در این معاهده دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق متعهد به کشتیرانی با حقوق برابر در خزر شدند و لیکن در خصوص سهم طرفین از دریا هیچ صحبتی بمیان نیامده بود. قرارداد بعدی مربوط به سال ۱۹۴۰ میلادی است که در این قرار داد به اصل تساوی دو طرف در دسترسی به دریا و استفاده از آن بخصوص در کشتیرانی و ماهیگیری اشاره شد. از آنجائیکه در زمان انعقاد عهد نامه های فوق هنوز منابع و ذخایر دیگری به ویژه نفت و گاز کشف نشده بود، فلذا نمونه های بارز حقوق در خزر، صرفا کشتیرانی و ماهیگیری بوده است. تا قبل از کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، چندین نشست نافرجام میان کشورهای ساحلی که بعد از سال ۱۹۹۱ میلادی از اتحاد جماهیر شوروی سابق جدا و تبدیل به سه کشور آذربایجان، قرقیزستان و ترکمنستان شده بودند صورت گرفته که منجر به نتیجه ای مشخص نشده بود. سرانجام، در ۱۲ اوت ۲۰۱۸ مقارن با بیست و یکم مردادماه سال ۱۳۹۷ و مصادف با روز بین المللی دریای مازندران، پنج کشور ساحلی دریای مازندران شامل جمهوری اسلامی ایران، روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان، در پنجمین نشست خود در شهر ساحلی اکتائو قزاقستان، کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای مازندران در ۲۴ ماده را تصویب نمودند. یکی از دستاوردهای مهم این کنوانسیون، تعیین خزر بعنوان یک " توده آبی محصور شده " و تصویب آن به اتفاق آراء است که این امر همسو با ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ بین الملل حقوق دریاها می باشد زیرا ارتباط دریای مازندران با دریاهای آزاد از طریق کانال ساخته شده ولگا در کشور روسیه صورت می گیرد بنابراین این دریا از نظر طبیعی به دریاهای آزاد راه ندارد و بر اساس ماده ۱۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها "دریای



بسته و نیمه بسته" نام می‌گیرد و به همین دلیل، مفاد این کنوانسیون بر دریاچه مازندران مرتب نمی‌گردد و مواد آن لازم‌الاجرا برای کشورهای ساحلی خزر نخواهد بود. در متن کنوانسیون ۲۰۱۸ وضعیت حقوقی دریای مازندران، هیچ بحثی از درصد سهم کشورها از دریا مطرح نشده ضمن اینکه تعیین خط مبدا مستقیم به مذاکرات آتی موکول شده است. سهم خواهی آینده کشورهای ساحلی از دریاچه مازندران و نیاز به تعیین محدوده آب‌های داخلی هر کشور، با تحدید حدود و نحوه ترسیم خط مبدا در این دریاچه در ارتباط مستقیم است. این امر موجب می‌گردد که تحدید حدود و نحوه ترسیم خط مبدا برای این دریاچه به گونه‌ای پیشنهاد شود تا ضمن اینکه متاثر از سوابق تحدید حدود دریاچه‌های بین‌المللی باشد، تحدید حدود انجام شده متضمن منافع کلیه کشورها بوده و نیز مورد پذیرش هر یک از کشورها واقع گردد. بر اساس تحدید حدود انجام شده، روش‌های مختلف ترسیم خط مبدا بدست می‌آید که به مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین درصد مورد انتظار کشورها در برخورداری از منابع بستر و زیر بستر دریاچه مازندران منجر می‌گردد. نهایتاً باید اذعان داشت به نظر می‌رسد که تصویب موافقتنامه روش تعیین خطوط مبدا مستقیم در دریاچه مازندران، مشمول اصل هفتاد و هشتم قانون اساسی بوده و نیازمند تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع و مآخذ

### کتب

- نامی، محمد حسن، (۱۳۸۶)، تنگه ها و آبراه های جهان، تهران: سازمان جغرافیائی نیروهای

### مسلح

- نامی، محمد حسن، (۱۳۸۹)، جایگاه دریای خزر در استراتژی های جهانی، تهران: سپهره
- آزاد بخت، بهرام، و غلامرضا نوروزی، (۱۳۸۷)، جغرافیای آبهای ایران، سازمان جغرافیائی

### نیروهای مسلح

- نامی، محمد حسن، و علی محمد پور، (۱۳۸۹)، جغرافیای سیاسی و نظام حقوقی آبهای ایران،

### تهران: زیتون سبز

- موسی زاده، رضا، (۱۳۹۵)، حقوق معاهدات بین المللی، تهران: میزان
- تقی زاده، ابراهیم، و علیرضا امام دادی، (۱۳۹۵)، روش تحقیق در علم حقوق، تهران: مجد
- نامی، محمد حسن، (۱۳۸۸)، زیر ساختار داده های مکانی منطقه ای دریای خزر و خلیج

### فارس، تهران: سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح

### مقالات

- احمدیان، بهرام، (۱۳۹۷)، حقایقی درباره کنوانسیون حقوقی دریای خزر، روزنامه

اطلاعات، سال نود و سوم، شماره ۲۷۰۹۸

- آقائی، بهمن، رژیم حقوقی ارون رود، مجله سیاست خارجی، ص ۶۰۹
- ملک زاده، سعید، (۱۳۹۷)، رژیم حقوقی دریای مازندران، روزنامه اطلاعات، سال نود و

سوم، شماره ۲۷۱۹۷

- ظریف، محمدجواد، کنوانسیون رژیم حقوقی دریای مازندران، روزنامه اطلاعات،

شماره ۲۷۰۷۸

- کامران، محمد حسن، [و دیگران]، (۱۳۸۸)، رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر، نشریه

جغرافیا، دوره جدید، سال هفتم، شماره ۲۰ و ۲۱

- زارع پور، معجد، (۱۳۹۳)، روش های ترسیم خطوط مبدا در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، شانزدهمین همایش صنایع دریائی در بندرعباس

#### پایان نامه ها

- دلیرگوانی، فاطمه، (۱۳۹۵)، بررسی وضعیت حقوقی خلیج های کوچک (خورها) هم مرز با کشورها بر اساس اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صفادشت
- ظهیری، نیلوفر، (۱۳۹۴)، نقش تحدید حدود مرزهای دریائی در بهره برداری منابع نفت و گاز از منظر حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی